

## نخستین شهر جدید ققنوسی از میان ویرانه‌ها

عباس جلالی +



می‌کند و میدان را برای آزمونی نو در برابر دولتمردان پهلوی می‌گشاید. برای این آغاز مهم، مهندس اسدالله خاور زمینی بر کار گمارده می‌شود تا نقشه‌ی شهری شطرنجی را گرته ریزد و این نقشه بناست حتی برای روستاها نیز بکار رود. این رخدادهای بزرگ شهرسازی در ایران از نخستین گام‌هایی است که تاریخ آن را در دل، نیمه‌نشان نگاشته و همه‌ی ریزه‌کاری‌های آن به دست نیست، امید آنکه بتوان همه را از دفترهای فراموش شده گرد آورد و فراروی آیندگان نهاد تا بدانند "نخستین شهر جدید" چگونه پای گرفته است.

### رخدادهای

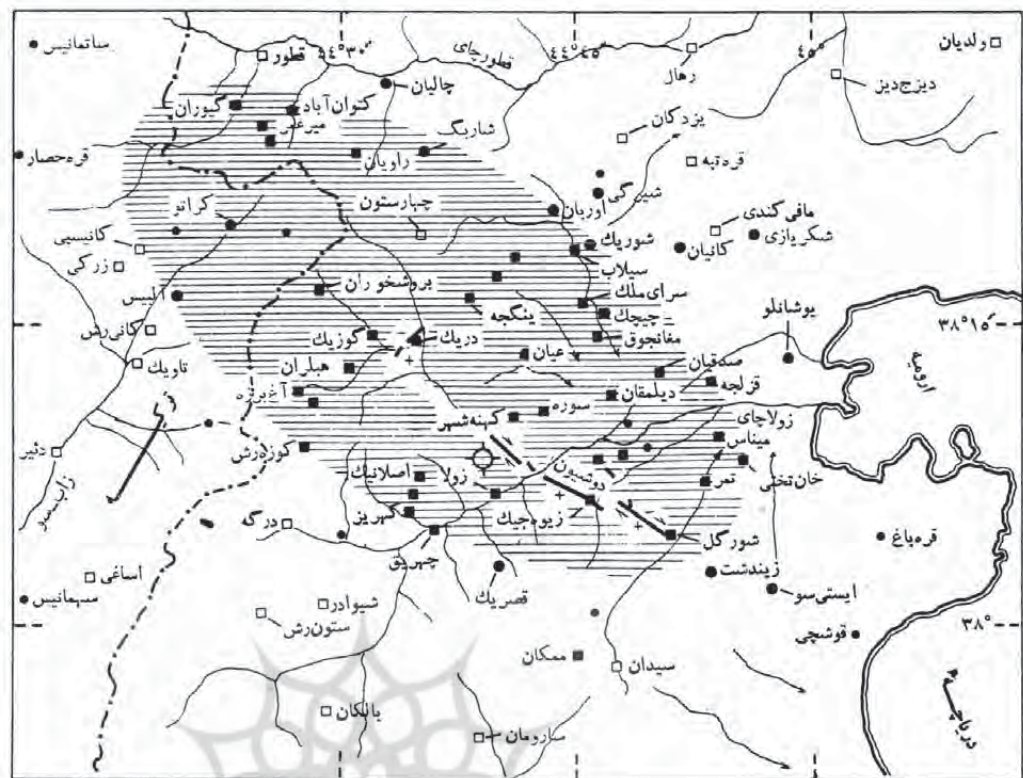
آنچه در تاریخ لرزه‌نگاری جهان و در نخستین سال دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی به نام "زمینلرزه‌ی سلماس" نگاشته شده، رخدادهای بی‌مانندی بود که گذشته از رویدادهای زمین‌شناختی شگفت، پیامدهای شهری و شهروندی نیز داشت. زمین در گستره‌ی بزرگی در پهنه‌ی شمال باختری دریاچه ارومیه، به نام سلماس، پیش از یکصد روز (سه ماه‌ونیم) چون بیماری که به تب نوبه دچار شده باشد لرزید. این لرزش‌ها ۲۳ روستا را از صفحه‌ی گیتی زدود؛ روستاهایی که دیگر به جز نامی از آنان در جهان به جای نمانده است. برخی از این روستاها شهرهای کوچکی بودند چون؛  
 ■ کهنه شهر با ۲۲۹۰ خانوار که ۳۷۰ کشته داشت،

در جستجو برای یافتن نخستین شهر جدید در ایران که بر شالوده‌ای از پیش اندیشیده ساخته شده باشد، نمی‌توان از بر روی کار آمدن "دودمان پهلوی" واپس‌تر رفت، اما اگر بخواهیم در این جستجو به فراسوهای تاریخ نوین ایران باز گردیم، نیاز به پژوهشی دراز دامن داریم که از توان یک تن بیرون خواهد بود و شاید که این رخدادهای در سپیده‌دمان تاریخ بیشتر به توان یافت تا در میانه‌های آن.

آنچه که ساختن شهری تازه را در روزگاران تاریخی محتوم می‌ساخته، رخدادهایی بوده چون زمینلرزه، سیل و آتشسوزی که این آخری در تاریخ ما از برای اینکه سازه‌های سنگی و گلین داشته‌ایم و خاک بیشترین حجم ساخت و ساز را داشته، چندان صدق نمی‌کند، اما آن دوی دیگر پیشینه‌ی ای دراز در تاریخ ما دارند.

به آغاز روزگار پهلویان باز می‌گردیم. رضا شاه پهلوی (۱۳۰۰-۱۳۲۰ خ) شیوه‌ی حکومت مرکزگرا را با قدرت تمام به اجرا گذاشته و شهرگرایی رواج یافته، آنهم با مرکزی اداری در میانه‌ی شهر و خیابان‌های گشاده‌ای که از این مرکز به سوی لبه‌های آن کشیده می‌شوند. تهران پایتخت پهلویان از آغاز سده‌ی چهاردهم خورشیدی پای در این راه می‌نهد.

در ۱۳۰۹ خورشیدی رخدادهای طبیعی، ساختن شهری نو به شیوه‌ای نوین و دلخواه حکومت مرکزی را محتوم



شکل ۳- ۴۰ زمینلرزه ۱۹۳۰ م (۷ (۶) مه) سلماس.

در روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ خورشیدی، ساعت ۱۰ بامداد، زمینلرزه‌ای با بزرگای ۵/۵ ریشتر، پهنه‌ی ولایت سلماس را لرزاند که پیامد آن پانزده کشته و خرابی چند دکان و خانه بود و روستاهای پیرامونی ویرانی‌های بسیار و کشته‌هایی نیز داشتند. مردم ترسیده از زمینلرزه خانه‌های شکسته را رها کردند. فرماندهی پادگان سلماس هشیارانه، سربازخانه‌ها را خالی کرد و به مردم هشدار داد تا از ماندن در خانه‌ها بپرهیزند و پادگان در فضایی باز اردو زد و به حال آماده باش ماند. پاسی از نیمه‌های شب گذشته، پانزده ساعت پس از پیشلرزه‌ی روز سه‌شنبه، زمینلرزه‌ی مهیب و ویرانگر به بزرگای ۷/۲ ریشتر همه چیز را فرو کوبید و شهر ديلمقان را از روی زمین برداشت. آنچه از روستاها به جا مانده بود با خاک یکسان شد. نزدیک به ۶۰ روستا ویران گردید. شمار کشته‌گان پهنه‌ی زلزله‌زده‌ی سلماس را میان ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر نگاشته‌اند. در این میان هشدارهای سربازان و پیشلرزه‌ی روز سه‌شنبه و آمادگی پادگان برای کمک فوری به زیر آوار ماندگان جان چند هزار نفری را نجات داد. سربازان در همان روزهای نخست توانستند ۳۰۰ نفر را از زیر آوار زنده و نیمه جان بیرون بکشند. دام‌های تلف شده بسیار زیاد بود که در روزهای بعد، عفونت شدید آبدی‌های زلزله‌زده را در پی

- مغانجوق با ۱۸۰۰ خانوار با ۷۵ کشته،
- صدقیان با ۱۰۵۰ خانوار با ۶۰ تن کشته و
- سرای ملک با ۹۶۰ خانوار و ۸۲ کشته.

هیچ یک از این روستاهای بزرگ بر جای نماندند، اما در کمال شگفتی شمار کشته‌گان با برآورد جمعیت آنان اگر تنها کهنه شهر را در نظر بگیریم که شمار افراد هر خانوار آن ۴ نفر بوده باشد که یقیناً بیش از اینها بوده، (نفر ۱۱۹۶۰ = ۲۹۹۰×۴) چنین جمعیتی در یک چنان زمینلرزه‌ای می‌باید کشته‌گانی بسیار پر شمارتر از ۳۷۰ نفر می‌داشت.

پهنه‌ی زلزله زده، دشت بار آوری در جنوب باختری خوی بود که رود زولا آن را آبیاری می‌کند. در نوشتگان جغرافیایی سده‌های آغازین اسلامی شهری به سلماس وجود داشته که احتمالاً بعدها از میان رفته. در روزگار قاجاری این نام بر ولایتی مانده بود که مرکز شهر ديلمقان Dilmagân نام داشت. شهری که اکنون دیگر وجود ندارد. تنها کسانی با نام خانوادگی ديلمقانی هستند که در میان ترک زبانان مهاجر در پهنه‌های شمالی و گسترده‌ی آذربایجان می‌زیند و بازماندگان این شهر مدفون تاریخی‌اند.





خبر زمینلرزه را روزنامه‌ی اطلاعات در روز ۲۰ اردیبهشت چاپ کرد که در آن گفته شده بود دکتر امیراعلم ریاست شیر و خورشید سرخ ایران در گزارشی کشتگان را ۲ هزار نفر و زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان را ۶۰۰ نفر گفته و نابودی ۴۵ روستا را اعلام کرده است؛ "آب پیدا نیست، رودخانه‌ها زیر و رو شده‌اند و در فاصله نیمروز ۲۰ به این سو، در

داشت. زمینلرزه چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت چندان شدید بود که شعاع ویرانگری آن به ۲۳ کیلومتر می‌رسید و تا ۳۵۰ کیلومتری این لرزش حس شد؛ یعنی باشندگان بغداد در عراق و تفلیس در گرجستان قفقاز آن را حس کردند (عکس زمینلرزه) این زمینلرزه گسلشی نیز به همراه داشت که درازی آن به ۱۶ کیلومتر، از شور گول [=برکه‌ی شور] تا کهنه شهر می‌رسید.

کمتر از ۲۴ ساعت، ده زمینلرزه سخت رخ داده است". پس از زمینلرزه، سطح ایستایی بالا آمده، در بیشتر روستاها، چشمه‌ها سرباز کرده و به راه افتاده‌اند. مانند؛ زلزله بولاغی [= چشمه‌ی زلزله] که آب‌گذاری است با دمای ۱۸° در ۱۰ کیلومتری شمال غسل سلماس. آب دریاچه ارومیه بنا به گزارش روزنامه اطلاعات بالا آمده بود، اما منابع امروزی نوشتند که به طور موقت پایین رفته، سپس بالا آمده است. "سرتیب حسن‌خان فرمانده قشون، رئیس شیر و خورشید سرخ آذربایجان همراه پزشک و دارو و جراح وارد منطقه‌ی زلزله زده شده‌اند. در میان کشتگان ۱۰۰ نفر ارمنی و ۶۰ نفر آشوری دیده می‌شوند". شمار گمشدگان در روز ۲۳ اردیبهشت با اعلام روزنامه اطلاعات ۲۵۰ نفر بوده است. دامنه‌ی زمینلرزه؛ تبریز، عجب‌شیر، خوی، قراغینی، شرفخانه، ساوجبلاغ، مرند، جلفا، اهر، گوکان، ماکو، مراغه را در برمی‌گرفته است (نقشه‌ی زمینلرزه).

روز ۲۴ اردیبهشت در گزارشی آمده که، "مقام منبع وزارت جلیله دربار دامت عظمه، کپیه شیر و خورشید سرخ. تلگراف مبارک دیروز غروب زیارت... حسب الامر برای برآورد مخارج تعمیرات شروع به اقدام... به معاون ایالت تذکر داده بود که یک نفر مهندس روانه دارد تا در تخمین میزان خسارت وارده تحقیقات و مطالعات لازمه از روی بصیرت به عمل آید. در ضمن برای ساختمان شهر، محلی تهیه نشود. محل فعلی قابل تعمیر نیست و محتاج مخارج فوق‌العاده خواهد بود. در نزدیکی شهر مخروبه محل مناسبی است".

و در خبری دیگر آمده که، "... زمینلرزه هم مداومت دارد. پریشب قریب سحر زلزله‌ی شدیدی رخ داد که از قرار اظهارات اهالی شدیدتر از لرزشی بود که باعث این همه ویرانی شده است". در گزارش فرماندهی لشکر شمال غرب نیز آمده که، "شهر دیلمقان به اضافه‌ی یکصد پارچه آبادی یکسره ویران شده است و محتاج آن هستند که دوبار ساخته شوند".

رفته رفته مردم گریخته که به لرزش‌های همه روزه خو گرفته بودند، باز می‌گردند تا با آنچه مانده، زندگی را از سر گیرند چندانکه در روزهای پایانی اردیبهشت باشندگان در میان ویرانه‌های شهر آسیاب به راه می‌اندازند تا آرد بسازند و نان بپزند. چندانکه در روز ۲۸ اردیبهشت ۸ خروار نان پخت می‌شود. مردم در وسط خیابان شهر قهوه‌خانه برپا می‌کنند و بازاری راه می‌افتد که جنس‌های بیرون کشیده از

میان آوار را خرید و فروش می‌کنند.

در همین روز گزارشی در روزنامه چاپ شده است که "۸/۵ ساعت بعد از ظهر زلزله‌ی نسبتاً شدیدی احساس و باد سختی هم وزیدن گرفت... مهندسین برای مطالعات طبقات ارضی و تعیین میزان خسارات و مخارجات لازمه وارد دیلمقان شده و شروع به کار کرده‌اند..."

زمینلرزه سلماس ۱۳۰۹



و در تلگرافی به پایتخت به تاریخ ۷ خرداد می‌خوانیم که "مهندسی که احضار شده بود، مشغول نقشه‌کشی و تعیین برآورد مخارج است... که اقدامات ثانوی یعنی مسئله تعمیرات حسب الامر جهانبطاع ملوکانه اروحنا فدا، به محض آرامش زمین شروع خواهد شد. نقشه‌ی شهر تنظیم و نقشه‌ی قراء در دست اقدام است. مهندس نامبرده در این تلگراف می‌باید همان مهندس اسدالله خاور زمینی باشد.

سه روز بعد در شماره ۱۰۷۶ روزنامه‌ی اطلاعات - ۱۰ تیرماه ۱۳۰۹ برابر با یکم ژوئیه ۱۹۳۰ به نخستین خبر درباره‌ی ساختن شهری جدید در ایران برمی‌خوریم که نقطه‌ی عطفی در تاریخ شهری ایران شمرده می‌شود. "ساختمان شهر جدید سلماس"

"لایحه ذیل را آقای بهرامی معاون وزارت مالیه در جلسه امروز تقدیم مجلس شورای ملی نمودند. ساحت محترم مجلس شورای ملی

چون شهر سلماس از اثر زلزله‌ای که هنوز هم دوام دارد به کلی خراب شده و از تجدید بنا در محل شهر خرابه احتراز لازم است، در نظر گرفته شده است. یک میلیون گز مربع [= یک متر مربع] از اراضی قریه‌ی اهرنجان خالصه که محل آن برای شهر جدید از هر جهت مناسب است، به بلدیة سلماس [!] واگذار شود که هر چه زودتر برای بنای شهر طراحی شده، شروع به عمل نمایند، لهذا ماده واحده ذیل را با قید فوریت تقدیم می‌دارد. به ملاحظه‌ی اینکه تا فصل مقتضی است باید ساختمان‌ها شروع بشود که در زمستان بازمندگان سکنه دچار زحمت نباشند تقاضای تصویب آن را به قید دو فوریت می‌نماید.





رئیس الوزراء و وزیر مالیه مهدیقلی هدایت

ماده‌ی واحد - به وزارت مالیه اجازه داده می‌شود یک میلیون گز مربع از اراضی قریه اهرنجان خالصه را برای ساختمان شهر جدید به بلدیة سلماس واگذار نمایند.

با پخش خبر زمینلرزه در روزنامه‌ها و با تلگراف به صلیب سرخ فرانسه و دیگر کشورها سیلی از کمک‌های پولی سرازیر شیر و خورشید سرخ ایران شد که روزنامه اطلاعات چند بار سیاهه‌ی این کمک‌ها را با نام کسان و نهادهای به زیر چاپ برد و هر بار جمع مبلغ سیاهه به مبلغ پیشین افزوده شده چاپ می‌شد بر پایه‌ی واپسین گزارش روزنامه‌ی اطلاعات در روز ۱۰ شهریور ماه (سند شماره ۲). رویهم اعانه‌های گرد آمده از سراسر جهان و ایران ۵۱'۱۱۴ تومان و ۸۸۵ دینار بوده که مبلغ ۴۴'۰۹۴ تومان آن به تبریز فرستاده شده است تا به دست شورایی مرکب از والی [=استاندار] و کمیسیون اسعار [=ارز] میان زلزله‌زدگان و نهادهای همگانی دولتی چون بیمارستان و بلدیة تقسیم گردد و بر طبق نقشه‌ای از پیش اندیشیده و آماده برای ساخت‌وساز شهر جدید شاهپور - با ساختار شطرنجی -

منابع:

۱. اطلاعات، روزنامه، سال ۱۳۰۹
۲. امیرسن، ن؛ ج. ملویل، تاریخ زمین لرزه‌های ایران، ابوالحسن زده، آگاه، ۱۳۷۰
۳. دایره‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، جلد یک و دو، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۱
۴. عاقلی، یاقو، روزشمار تاریخ ایران، جلد یکم، نشر نامک، چاپ هفتم، ۱۳۸۴
۵. جعفری، عباس، گیتاشناسی جغرافیایی ایران، چاپ یکم، ۱۳۷۹
۶. معین، محمد، فرهنگ معین، جلد پنجم اعلام، چاپ ۱۳۷۱
7. <http://www.kuresunni.com> 28/6/2010

هزینه شود. اگر این مبلغ را در برابری با سکه طلای پهلوی که در آن هنگام ۱۳ ریال قیمت رسمی داشته و یک سکه بهار آزادی که اینک ۳۱۵۰۰۰ تومان می‌ارزد، تبدیل کنیم، مبلغ قابل توجه و تا اندازه‌ای شگفت‌آور ۱'۰۴۱'۰۰۰'۶۳۵'۱۳۴ تومان به دست می‌آید که مبلغ دریافتی تبریز از این پول و در همین تاریخ ۱۷۰'۶۸۴'۱۰ هزار تومان بوده است. این به روز کردن بر پایه‌ی اصل پایایی نسبی ارزش سکه‌ی طلای رسمی کشور در هر دوره‌ی تاریخی، شالوده‌ریزی شده است. در این گزارش گفته شده که مانده‌ی پول در بانک ملی موجود است.

همچنان که ساختمان شهر جدید شاهپور آغاز می‌شود، پس‌لرزه‌های کوچک و بزرگ پهنه و ولایت سلماس را می‌لرزاند که همگی در روزنامه‌های آن روزگار ثبت شده است. بیشتر این پس‌لرزه‌ها میانه یا ضعیف بوده‌اند و برخی نیز بسیار شدید بوده است مانند پس‌لرزه‌های ۶ مرداد و ۲۹ شهریور که این یکی یک دقیقه به درازا کشیده است.

روزنامه‌ی ۱۷ تیرماه گزارش لایحه پیشنهادی در مجلس را آورده است که با اکثریت آرا تصویب می‌گردد و در خبر روز ۲۴ تیرماه پس از خبر پس‌لرزه، گفته شده که اعانات گرد آمده را نخست از روستاها شروع به تقسیم کرده‌اند سپس به شهر خواهد رسید. [!؟]

چندانکه از گزارش‌های هر روزه برمی‌آید در پهنه‌ی زلزله‌دیده شگفتی‌های زمین‌شناختی و آب و هوایی رخ می‌داده است، مانند: گرم بودن شدید هوای این پهنه، چیزی که در آنجا سابقه نداشته، آذرخش و توفان‌های مهیب در این دوره‌ی بحرانی، وزش بادهای گرم که برای نمونه در گزارش روز ۲۴ تیرماه آمده است.

در روز ۲۶ تیرماه ۱۳۰۹ برای نخستین بار از یک شهر با دو نام یاد رفته است؛ شهر جدید شاهپور (سلماس)؛ "به طوری که از شهر جدید شاهپور (سلماس) اطلاع می‌دهند، ساختمان شهر شاهپور شروع گردیده و علاوه از سی هزار تومانی که قبلاً ارسال گردیده در این چند روزه بر حسب دستور والی آذربایجان [علی] منصور، ۲ هزار تومان دیگر از طرف کمیسیون اعانه ارسال گردیده و با کمال جدیت مشغول ساختمان شهر می‌باشند. از قرار معلوم تا یکماه دیگر ساکن و منازل اهالی تهیه شده و در شهر جدید سکنی خواهند نمود." و در همین روزها خبر از ساخت بیمارستان در شهر شاهپور داده می‌شود. شهر جدید شاهپور رفته رفته جمعیت بیشتری یافته و شمار آن در ۱۳۴۵ به ۲۱'۷۰۳ نفر می‌رسد. در سال ۱۳۵۷ نام این شهر بار دیگر به نام کهن سلماس تبدیل می‌شود.